

تجربه‌های موفق در توانمندسازی حاشیه‌نشینان

## صفر تا صد

گزارش

ملیحه زرین پور

بین ساکنان مناطق حاشیه شهر افراد خلاق و خوش فکر و با انگیزه کم نیستند که با یک چاشنی اولیه نه تنها می‌توانند کسب درآمد کنند بلکه چند خانوار دیگر را هم نان بدهند. پای صحبت اغلب تولید کنندگان موفق که می‌نشین می‌گویند از صفر شروع کردیم اما معمولاً کارآفرینان حاشیه از زیر صفر شروع می‌کنند و خود را به صد هم می‌رسانند البته تا صد را چگونه تعریف کنی.

### تجربه اول: کارگاه تولید پوشاک

فاطمه یکی از بانوانی است که با وجود از کار افتادگی همسرش با کار و تلاش فراوان و استفاده از وام خوداشتغالی کمیته امداد امام خمینی (ره) خراسان رضوی یک کارگاه کوچک تولیدی پوشاک در یکی از مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد راه انداخته است؛ وی ۱۲ سال پیش از اطراف شهرستان نیشابور به امید پیشرفت و پیدا کردن کار و شغل و درآمد بهتر به مشهد مهاجرت می‌کند و به دلیل پایین بودن اجاره بها خیابان گلشاد در خواجه ربیع را برمی‌گزیند. وی درباره خودش به ما می‌گوید: «متولد سال ۴۷ هستم و چهار فرزند دارم. به دلیل مشکلات مالی و از کار افتادگی همسر من شش سال پیش باهدف توانمندی از کمیته امدادوام گرفته‌ام و یک کارگاه تولیدی پوشاک راه انداختم.» او ادامه می‌دهد: «با دو دستگاه چرخ خیاطی و دو شاگرد کارم را شروع کردم والان کارم به ۹ چرخ و ۹ شاگرد افزایش یافته است اما به دلیل کمبود منابع امکان خرید پارچه ندارم بلکه از بنکدار برش می‌گیرم و کار دوخت آن‌ها را انجام می‌دهم.»

فاطمه می‌گوید: «وقتی هشت سال پیش کارم را شروع کردم شاید حدود ۵۰۰ هزار تومان بیشتر سود برایم نداشت تازه باید به شاگردانم هم حقوق می‌دادم و پول قسط و اجاره‌ام را نیز کنار می‌گذاشتم. ولی توانستم به امید خدا چرخ‌هایم را اضافه کنم و اکنون گردش مالی ماهیانه‌ام پنج میلیون تومان است البته باز هم مشکل دارم ولی خدا را شکر نسبت به سختی ابتدای کار، راضی کننده‌است.»

وی بابیان این که به دلیل کمبود منابع و نداشتن پس‌انداز لازم برای خرید پارچه مجبورم برش از بنکدار بخرم، می‌افزاید: «برای بنکدار کار می‌کنم که آن‌ها هم هر دو ماه چک می‌دهند یعنی یک ماه کار و دو ماه هم تا زمان سررسید چک و انتظاری سه‌ماهه برای رسیدن به پول کار کردم ولی باید شاگردانم را ماهیانه تسویه کنم چرا که آن‌ها نمی‌توانند صبر کنند.» وی اظهار می‌کند: «از پنج میلیونی که در ماه بابت کار عاید می‌شود حدود یک میلیون ۵۰۰ هزار تومان را به شاگردانم می‌دهم. ۵۰۰ هزار تومان هم خرج‌های متفرقه مانند آب و برق و گاز و اجاره‌ام می‌شود و ماهیانه دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برایم می‌ماند. خرج زندگی‌ام در می‌آید ولی نمی‌توانم پس‌انداز کنم.»

واردیکی از خیابان‌های گلشاد در منطقه خواجه ربیع که می‌شوی کمی جلوتر روبه‌روی یک آژانس مسافری تابلوی تولیدی تریکوی فاطمه خانم خودنمایی می‌کند. تابلویی که تا حدودی رنگ و رو رفته است و روی آن توضیح استاد و شاگردی قید شده است.

وی می‌گوید: «در این منطقه شاگرد برای کار زیاد است و شاید هفته‌ای چندین مراجعه جویای کار داشته باشم ولی متأسفانه بیشتر از این امکان افزایش چرخ ندارم و گرنه دوست دارم برای افرادی که هر کدام مانند خود من مشکل مالی دارند و بیشتر به امید شغل و درآمد از شهرستان‌ها و روستاها آمده‌اند کاری فراهم کنم.»

فاطمه اظهار می‌کند: «از همان اول که کارم را شروع کردم هدفم ایجاد اشتغال

برای افرادی مانند خودم بوده است چرا که مردم این مناطق جزو افراد ضعیف جامعه هستند و احتیاج بیشتری به کار دارند، بیشتر هم به علت کمبود شغل و درآمد در زندگی دچار مشکل هستند.» وی که با تلاش فراوانی توانسته کارگاه کوچک خیاطی خود را در این منطقه نسبتاً رونق دهد می‌گوید: «از ابتدا به فکر گرفتن مایحتاج از کمیته امداد نبوده‌ام و هنوز هم نیستم چرا که من به امید خدا توانسته‌ام کاری فراهم کنم و این کمک‌ها برای افرادی

است که توانایی تهیه مایحتاج خود را ندارند.»

از او می‌پرسم: اگر روزی کارتان رونق بیشتری پیدا کند باز هم در همین منطقه می‌مانید؟ می‌گوید:

«قطعاً همین‌طور است چرا که وقتی کار من

رونق پیدا کند یعنی می‌توانم چند شغل

دیگر ایجاد کنم و برای چند خانواده

دارای مشکل منبع درآمدی باشم.

۶۰

۸۰

صد

وقتی هشت سال

پیش کارم را شروع

کردم شاید حدود

۵۰۰ هزار تومان

بیشتر سود برایم

نداشت تازه باید

به شاگردانم هم

حقوق می‌دادم

و پول قسط و

اجاره‌ام را نیز کنار

می‌گذاشتم. ولی

توانستم به امید

خدا چرخ‌هایم

را اضافه کنم و

اکنون گردش

مالی ماهیانه‌ام

پنج میلیون

تومان است